

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

فرستنده: سیامک بهاری

۱۵ نومبر ۲۰۲۰

## یادداشت رسیده:

متنی که می‌خوانید یادداشتی است از فانوس بهادروند، شاعر، مترجم و عضو کانون نویسندگان ایران، درباره آزادی بیان.

(توجه: مطالبی که در زیرصفحه «یادداشت رسیده» منتشر می‌شود نظر شخصی نویسنده است و الزاماً نظر کانون نویسندگان ایران نیست.)

## "ضرورت و آزادی"

کانون نویسندگان ایران ۰۷ November ۲۰۲۰

اگر می‌توانست

بی آن که نفس بکشد

در هوای آزاد و پاک زنده بماند

پس سنگ بود...

سنگ در درازای زمان بر اثر تابش آفتاب، بارش باران و طوفان‌ها رفته رفته اما به گونه‌ای بسیار کند تغییر شکل و حالت می‌دهد؛ اما اگر درون غاری افتاده باشد این دگرگونی باز بسیار کند و دیرتر خواهد بود...

انسان به مثابه موجود زنده برای زندگی به اکسیژن نیاز دارد و به آفتاب؛ اما برای زندگی اجتماعی به تفکر و زبان. در ضرورت آزادی بیان بسیار گفته و نوشته شده است، و جان‌های نازنین بسیار برای حفظ و نگهداری از آن در سراسر جهان داده شده است. اما چرا درک و یا تبیین آزادی بیان در جمع و گروه‌های اجتماعی بسیار با ابهام و پرسش روبه رو شده است؟! آیا آزادی بیان برای یک نویسنده و شاعر با آزادی بیان یک کارگر یا آموزگار و یا نماینده مجلس تفاوت دارد؟ پاسخ روشن است، خیر.

هیچ تفاوتی میان من نویسنده و ایشان وجود ندارد. آیا آزادی بیان شامل طنز، هجو، شکستن تقدس و احترام بزرگترها، زنان، سیاستمداران، مقدسین مذهبی و فیلسوفان می‌شود؟ چگونه خط و مرزها را روشن می‌کنیم؟!

اگر یک امر به معروف بپوشش حمایتی- امنیتی خود می‌تواند در خیابان به من تذکر پوشش بدهد و اگر سانسورچی پنهان و بی‌سواد وزارت ممیزی می‌تواند متن کتاب مرا دستکاری و یا امر به حذف بخش یا سطر را بدهد، اگر روزنامه‌نگاری هنگام مصاحبه و پرسش و پاسخ محدودیت و مرزی ندارد، پس من نیز آزاد هستم از خودم دفاع کنم، روسری‌ام را بردارم یا بگذارم، از سانسور کتاب و شعرم، تن نرم و یا آنچه ضرورت اجتماعی‌ام ایجاب می‌کند پاسخ بدهم...

آیا سربریدن نمازگزاران مسیحی در کلیسا و آموزگار فرانسوی توسط یک رادیکال دیوانه به نام دفاع از اسلام (فارغ از تأیید نوع انتخاب آموزگار برای تدریس آزادی بیان، که می‌توانست به گونه‌ای باشد که اقلیت مذهبی در کلاس و در کشور را آزوده ننماید.) با کشتار زنان ایزدی در عراق تفاوت دارد؟ مگر نه این که همه این جنایت‌ها به نام دفاع از دین اتفاق می‌افتد!

آیا مختاری و پوینده و میرعلانی به دین و دیانت کسی توهین کرده بودند که به مسلخ رادیکالیسم کشانیده شدند؟! همه و حتی فرماندهان می‌دانستند که این‌گونه نبوده است.

آیا تشکل صنفی- اجتماعی مستقل کانون نویسندگان ایران با منشور دفاع از آزادی بیان خود توانسته است گشایشی در صورت مسأله اساسی، پایه‌ئی و حقوقی به موضوع بدهد و پنجره‌ای بگشاید در جهت رفع ابهام؟! رفع ابهام و تشکیک در چرائی و چگونه داشتن حق داشتن آزادی بیان!

گاه در میان اعضای کانون نیز برداشت‌های متفاوت و گاه مغایری به پرسش بالا دیده می‌شود، یکی دفاع از آزادی بیان جنبش سبز را با دفاع از خود جنبش سبز مغایر می‌بیند، با این استدلال که بخشی از حکومت و یا اعضای اسبق آن در جنبش نقش محوری و راهبری داشته‌اند و دفاع از خود حرکت را همراهی با آن می‌پندارند، و برخی اهمیت را به شعار "رای من کجاست؟" داده و همراهی با جنبش را بحق می‌دانند.

گاه در میان ما کسانی بوده‌اند که آزادی بیان خود را برتر و بالاتر از دیگر اعضای پنداشته‌اند زیرا قدیمی‌تر بوده و سابقه زندان داشته‌اند و با نگاه کهنتر و تحقیرآمیز به نوریسندگان و جوانترها داشته و دارند...

اگر دفاع از آزادی بیان فرد فرد ایرانیان، طبق منشور کانون بی هیچ حصر و استثناء یک اصل است، هیچ یک از کسانی که منشور را پذیرفته‌اند و پایبند عملی به آن بوده و هستند و با دستگاه سانسور به هر شیوه و شکلی همکاری و همراهی نداشته‌اند، با دیگری و من یا او تفاوت نداشته و ندارند...

با این تفسیر اگر یکی از اعضای یا دبیری از کانون در جایی در گروهی مجازی یا حقیقی در مصاحبه‌ای به نام خودش ابراز عقیده ای کرده باشد و در بدترین حالت با زبان و بیانی متفاوت برای نمونه با زبانی لمپنی و کلاه مخملی به جریانی سیاسی یا گروهی یا فردی غیرسیاسی بتازد، شیوه بیان ایشان اگر از سوی هشتاد در صد اعضا زیبا و دلنشین نباشد، از نگاه نگارنده و درک من از منشور کانون نویسندگان ایران و پیشینه "ضرورت و آزادی" حق آزادی بیان ایشان را سلب نمی‌نماید، چنان که طرف روبه‌روی ایشان را. اما حق نقد ایشان همیشه و همواره آزاد و ضرورت است.

فانوس بهادروند

آبان [عقرب] ۱۳۹۹